

راه‌های علاقه‌مند کردن فرزندان به عبادت

یکی از مسائل مهم در خانواده‌های معنوی، آگاهی و اطلاع از روش‌های درست و صحیح ایجاد علاقه در فرزندان نسبت به مسائل دینی است. برخی از خانواده‌ها با وجود تلاش‌های فراوان، موفق به ایجاد انس نمی‌شوند و برخی دیگر هم، پرداختن به این مسأله را با رفتارهایی نامناسب همراه می‌کنند.



یکی از مسائل مهم در خانواده‌های معنوی، آگاهی و اطلاع از روش‌های درست و صحیح ایجاد علاقه در فرزندان نسبت به مسائل دینی است. برخی از خانواده‌ها با وجود تلاش‌های فراوان، موفق به ایجاد انس نمی‌شوند و برخی دیگر هم، پرداختن به این مسأله را با رفتارهایی نامناسب همراه می‌کنند.

یکی از مسائل مهم در خانواده‌های معنوی، آگاهی و اطلاع از روش‌های درست و صحیح ایجاد علاقه در فرزندان نسبت به مسائل دینی است. برخی از خانواده‌ها با وجود تلاش‌های فراوان، موفق به ایجاد انس نمی‌شوند و برخی دیگر هم پرداختن به این مسأله را با رفتارهایی نامناسب همراه می‌کنند. در این مقاله به دنبال قوانین اصلی رسیدن به راه‌های علاقه‌مند کردن فرزندان به امور عبادی هستیم؛ لذا گام به گام، این قوانین را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

1. گام اول؛ جذب و یادگیری سپس رفتار

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است: «کودکانتان را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید.» [1] یکی از اصول تربیت دینی به خصوص در علاقه‌مند کردن کودکان به عبادت، توجه به آموزش این مسأله است.

کودکی که از همان بدو طفولیت خود را در کنار عبادت والدین و در اجتماعات معنوی می‌بیند، زمینه بیشتری برای پرسشگری در مورد دین و امور دینی در او شکل می‌گیرد. از این رو بر پدر و مادر لازم است خود را برای پاسخگویی به سؤالات دینی کودک آماده کنند. آگاهی کودکان از چگونگی انجام فرایض دینی و نیز دانستن فلسفه انجام آن به گونه‌ای محدود، می‌تواند مشوق خوبی برای انجام این کار و استمرار آن باشد. به عنوان مثال اگر کودکان در سن مطالعه هستند، والدین لازم است که کتاب‌های مناسب برایشان تهیه کنند و در مناسبت‌هایی به آنها هدیه دهند.

2. تشویق نه تحمیل

برخی از والدین، به درستی از شیوه تشویق کودک بهره‌مند می‌شوند. این تشویق‌ها می‌تواند کلامی و غیر کلامی باشد. به عنوان مثال دختر خردسالی که در کنار مادر به نماز ایستاده است، می‌تواند بعد از نماز، با جملات تحسین برانگیز، از سوی مادر، مورد تشویق و تحسین قرار بگیرد.

همچنین والدین می‌توانند به صورت مستمر و گاه به گاه، هدیه‌هایی را به فرزندان‌شان بدهند و آنها را بدین صورت و به دلیل رفتار خوبشان تشویق و مورد تحسین قرار دهند. البته باید توجه داشت که در این زمینه نباید از واژه و کلمه جایزه استفاده کرد؛ زیرا باعث می‌شود که فرزندان نسبت به این واژه شرطی شوند. اما واژه هدیه در این زمینه بسیار مناسب‌تر است؛ چون هم انگیزه رفتار فرزندان درونی نگه داشته می‌شود و هم از آسیب شرطی شدن و عبادت به شرط مزد، مصون می‌مانند.

در ضمن، هدیه آیین و سنتی است دینی و بار عاطفی بیشتری را دارد. هنگامی که کودک موقع نماز خواندن والدین جانماز می‌آورد و به اصطلاح خودش نماز می‌خواند، باید از سوی والدین، مورد تشویق و تحسین قرار بگیرد. پسری که هنوز مکلف نشده، همین که تشویق و ترغیب شود و این نکته را درک کند که اگر خدا به او گفته نماز بخواند، برای این است که به خدا نزدیک شود و تقرب پیدا کند، به این نتیجه خواهد رسید که از این طریق از بهداشت روانی بالاتری برخوردار خواهد شد و آرامش بیشتری در زندگی پیدا می‌کند.

باید توجه داشت که زور، تهدید و تحمیل نظر خود بر فرزندان، روش‌های نتیجه بخشی نیستند. مهم‌ترین نکته‌ای که کودکان باید بدانند این است که انجام فرائض دینی برای خودشان چه سودی (آرامش روحی و روانی) دارد؟ لذا لازم است این آگاهی را در آنها ایجاد کرد که کارهای معنوی به تعمیق و تأمین بهداشت روانی آنها کمک می‌کند؛ مثلاً از کودکان خواسته شود که انجام دادن یا ندادن فرائض دینی را با هم مقایسه کنند تا خودشان نتیجه بگیرند که پایبندی به این احکام به نفع آنهاست.

3. اصل خوشایندسازی

یکی از اصولی که باعث تکرار رفتار می‌شود، همراه کردن رفتار با چیزهایی است که کودک به آنها علاقه مند است. به عنوان مثال، هنگامی که کودک با والدین خود به نماز جماعت می‌ایستد، اگر نماز کمی با سرعت خوانده شود و پس از نماز هم کودک، مورد محبت والدین خود قرار بگیرد، برای بار دوم هم مایل خواهد بود که نماز را به جماعت بخواند؛ ولی اگر کودک در یک مجلس طولانی دعا برده شد و توجهی به خستگی او از سوی والدینش نشد، با این کار، انس با دعا از او گرفته می‌شود و رفتار دعا و نیایش در نزد این کودک عملی خسته کننده خواهد شد.

مثلاً هنگامی که کودکی برای شرکت در مراسم مذهبی وارد مسجد می‌شود، زمانی که با احترام و محبت اعضای مسجد روبرو شد، میل به تکرار این کار در او بیشتر شکل خواهد گرفت، ولی زمانی که با تند خویی عده‌ای روبرو شود، یا در مجلس برای همه چای و شربت در نظر بگیرند، اما به بچه‌ها به بهانه اینکه فرش را کثیف می‌کنند، چیزی داده نشود، میل به تکرار از او گرفته می‌شود.

در دوره کودکی، اساس کار در تربیت دینی کودکان، بر تقویت پیوند عاطفی آنها با دین استوار است. لذا لازم است که از سخت گیری‌های نابجا پرهیز شود. در آموزه‌های دینی، نیز این ظرافت رعایت شده است. به عنوان مثال کسی حق ندارد بدون رضایت کودک در جای او بنشیند یا دستور داده شده که به کودکان احترام گذاشته شود و به آنان محبت کرد.

لذا لازم است قبل از اینکه بچه‌ها به سن تکلیف و بلوغ برسند، آنها را برای این امور آماده کرد؛ یعنی فضای خانواده، باید ملکوتی و معنوی باشد، نه اینکه به کودک پنج ساله گفته شود که باید حتماً نماز بخواند! همچنین مهیا کردن شرایط خوب برای انجام عبادت می‌تواند در ایجاد علاقه مؤثر باشد. مثلاً در ایام سرد سال، والدین باید زمینه‌ای را فراهم کنند تا فرزندان بتواند با آب گرم وضو بگیرد و یا در اتاقی که از گرما و هوای مطلوبی برخوردار است، نماز بخواند.

4. اصل تدریجی و گام به گام

یکی از اصول اساسی در متمایل کردن فرزندان به عبادت، توجه و دقت به میزان توانایی آنهاست. والدین باید میزان تحمل کودک را در انجام رفتارهای دینی و عبادی در نظر داشته باشند تا میل به این کار همیشه در آنان باقی بماند. کودکی که امروز در آغاز مسیر بندگی قرار دارد، آن هم در دوره کارورزی و تجربه رفتار دینی با یک توانایی فکری و عملی محدودی روبروست، نمی‌توان از چنین کودکی توقع داشت که همچون بزرگسالان، به عبادت مشغول شود و وقت زیادی را همراه با حضور قلب کامل مشغول بجا آوردن نماز شود و یا والدین را در

انجام روزه‌ها، آن هم در گرمای تابستان همراهی کند.

برای اینکه والدین، بتوانند فرزندان با نشاطی در زمینه مسائل عبادی و دینی رشد دهند، لازم است تا تکالیف دینی را در نظر فرزندانشان، سهل و آسان جلوه دهند و آموزش و انجام آن را در طول زمان و چند سال توزیع کنند.

امام جعفر صادق علیه‌السلام در این باره فرموده است: «زمانی که بچه سه ساله شد، کلمه "لا اله الا الله" را یادش بدهید. سپس او را رها کنید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد؛ آن‌گاه "محمد رسول الله" را یادش دهید. سپس تا سن چهار سالگی رهایش کنید و در سن چهار سالگی "صلوات بر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله" را یادش بدهید.» [2]

بر طبق همین اصل تدریج بود، که عارف بزرگی همچون سهل شوشتری به مقام‌های معنوی بالایی رسید. «در روزگاران قدیم، عارف و حکیمی بزرگ، بنام "سهل شوشتری" وجود داشت که روزی از او پرسیده شد: چگونه به این مقام رسیدی؟ آن عارف جواب داد: در کودکی، پیش دایی‌ام زندگی می‌کردم، وقتی 7 ساله بودم، نیمه شبی از خواب برخاستم. دایی‌ام را دیدم که رو به قبله نشسته، عبادی به دوش کشیده و مشغول نماز خواندن است؛ از حالت او خوشم آمد. کنارش نشستم تا نمازش تمام شد. آن‌گاه از من پرسید: پسر چرا نشسته‌ای؟ برو بخواب!

- از کار شما خوشم آمده و دوست دارم پیش شما بنشینم.

- نه برو بخواب! من به اصرار دایی رفتم و خوابیدم.

شب بعد هم از خواب بیدار شدم. باز دوباره صحنه تکرار شد و من کنار دایی‌ام نشستم. این بار به دایی‌ام گفتم: دوست دارم هر چه شما می‌گویید من هم تکرار کنم. دایی مرا رو به قبله نشاند و گفت: یک مرتبه بگو "یا حاضر و یا ناظر" من هم تکرار کردم؛ سپس دایی‌ام گفت: برای امشب کافی است. حالا برو بخواب.

این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت و جمله‌ای که از دایی‌ام یاد گرفته بودم را چند بار تکرار می‌کردم، کم کم وضو گرفتن را هم یاد گرفتم و بعد از اینکه وضو می‌گرفتم، هفت بار می‌گفتم: "یا حاضر و یا ناظر" کار به جایی می‌رسید که من بدون اینکه نزد دایی‌ام بروم، خودم قبل از اذان صبح بیدار می‌شدم و پس از نماز تسبیح به دست می‌گرفتم و پیوسته تکرار می‌کردم؛ "یا حاضر یا ناظر" و از این کار لذت روحانی می‌بردم، تا اینکه به این مقام و مرتبه رسیدم.» [3]

5. والدین الگو

والدین باید توجه داشته باشند که رفتارهای آنها، خواسته یا ناخواسته، مورد تقلید فرزندانشان قرار می‌گیرد. کودکان به اندازه‌ای باهوش هستند که حتی می‌توانند احساس والدین را از انجام یک کار درک کنند؛ مثلاً اگر والدین در خواندن نماز سستی کنند و یا آن را کاری خسته کننده بدانند، با این کار به فرزندان خود یاد می‌دهند که نماز عملی خسته کننده و تکراری است؛ ولی اگر برای نماز خود ارزش قائل شدند و خصوصاً بعد از به جا آوردن نماز نشاط بیشتری پیدا کردند و اخلاق‌شان نسبت به قبل از آن، تغییر بهتری داشت، کودک می‌آموزد که نماز نشاط آفرین و محبت بخش است.

والدین که الگوی فرزندان هستند، باید این نکته را، در همه ابعاد آن پیاده کنند. آموزه‌های دینی هم می‌گویند که انسان‌ها باید چگونه زندگی کنند، چگونه رشد و پرورش کنند.

مبادا والدین فرزندانشان را مجبور به نماز خواندن کنند و از طرفی خودشان دروغ بگویند و کارهایی که نباید انجام دهند، مرتکب شوند. اگر فضای خانه آمیخته با ارزش‌های معنوی باشد و والدین، خود ارزش‌های الهی و تکالیف دینی را در زندگی خود جدی بگیرید، کودکان به طور غیر مستقیم و به صورت مشاهده‌ای از این فضای معنوی و روحانی متأثر می‌شوند و علائق دینی در آنها به طور طبیعی پرورش می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها:

[1]. الکافی، ج 6، ص 47، ج 3

[2]. مکارم الاخلاق، ص 254

[3]. نشریه خانه خوبان، شماره 37، ص 39

منابع استفاده شده:

[1]. تربیت، ابراهیم امینی، قم، ج 1، 1381

[2]. کلیدهای آموختن به کودکان درباره خدا، ایریس یاب، ترجمه: دکتر مسعود حاجی زاده

[3]. پاسخ به والدین، سیما فردوس

[4]. روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان

[5]. سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، ج 2

[6]. حکمت نامه کودک، محمد محمدی ری شهری

عقیل مصطفوی مجد